



بررسی حق شهروندی از دیدگاه فقهی

محمد مهدی ایزدی

کارشناس فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور واحد خرامه

چکیده

اهمیت و جایگاه حقوق شهروندی در نظام بین المللی و ارتباط متقابل این مفهوم با حقوق بشر، از مسائل و دغدغه هایی است که محور بحث بسیاری از جامعه شناسان، تحلیل گران اجتماعی، علمای دین، دولت مردان و فلاسفه می باشد. حقوق شهروندی از جمله مفاهیم و شاخص های مهم جوامع مدرن امروزی است که ارتباط وثیقی با شاخه های مختلف علم نظری و عملی دارد. این طرح بر آن است تا به حقوق شهروندی در فقه شیعه ایران بپردازد. بنابراین در تبیین حقوق شهروندی در فقه شیعه، بدوا می بایست به تعریف مفاهیم بنیادین پرداخته و سپس ضمن تشریح ارتباط میان فقه به نظریات و آراء فقهاء و فقه شیعه در این خصوص پرداخت. در این مرحله، متن و بحث آماده است تا اشاره ای به حقوق شهروندی در اسلام (قرآن و روایات شیعی) و فقه امامیه داشته و در نهایت ضمن تبیین ظرفیت بی نفاد فقه و نفوذ آن در سراسر حوزه های تشریع و جعل احکام به تشریح حقوق شهروندی در ساحت فقهی ایران بپردازد؛ قوانینی که مورد عنایت فقه و فقهاء بوده و از این نظر سراسر حوزه تشریع، عرصه معیت و همخوانی فقه و حقوق ایران است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، فقه شیعه، فقها - حقوق ایران

مقدمه

در جهان امروز، موضوعی که بیشتر از همه چیز در محافل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی و بین المللی، مطرح می گردد و رسانه ها، نشریات و مطبوعات جهان نیز به وفور به آن اشاره می نمایند و گاه ممکن است بهانه ای برای دخالت های نظامی ی بعضی کشورها گردد، موضوع حقوق شهروندی است. ادیان الهی سهم بسیاری در ارائه ی مباحث مربوط به حقوق شهروندی دارند چرا که اصولاً در برابر ظالمان و حاکمان ناقض حقوق انسانی ظهور داشته اند چنانکه مهم ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه ی اسلامی، کتاب خدا، قرآن است که به عنوان (تبیان کل شی) میدان داری می کند و هم فقه شیعی که از دل قرآن، سنت معصوم، مدد عقل و اجتهاد پویا و سیال با حال و هوای بشری در هر عصری و مصری همراهی می کند. در سال های اخیر در جامعه ایران این مفهوم از سوی نخبگان سیاسی، اجتماعی و دینی مورد توجه قرار گرفته است آگاهی از حقوق شهروندی از جنبه های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پر مخاطره مدرن است. عدم توجه به آگاهی از حقوق شهروندی از نگاه دینی و فقه شیعی، حق معرفتی و کلیدی شهروندان فقه مدار نظام جمهوری اسلامی را نادیده گرفته و آن ها را از توانایی درک حقوق شهروندی، بلکه در کل فقه در خصوص قوانین مرتبط با انسان، محروم می کند و این حرمان، زینده ی نظام فقه ی و شهروندان محترم فقه مدار آن نخواهد بود. شرایع الهی برای اداره ی امور بشری از آنجایی که خاستگاه ربوبی دارند و از ناحیه خداوند که آفریدگار فطرت و آگاه به تمام نیازها و خواسته های بشری است، صادر شده اند، بهترین و کاملترین راهنما و دستورالعمل برای انسان هاست. از بین ادیان مختلف، دین مبین اسلام کاملترین قواعد حقوقی را برای بشر مطرح کرده است که مطابق با فطرت انسانی است و نه تنها به کمال معنوی انسان ها توجه دارد بلکه در حیات بشری، به کرامت آن ها به عنوان اشرف مخلوقات، فارغ از نژاد، رنگ و مذهب احترام میگذارد. از جمله مسائل کرامت انسانها، ارزش زندگی و حیات افراد، «مهم حقوق شهروندی در اسلام، علاوه بر عدل و مساوات است. البته آنچه در علم حقوق درباره «بیهوده نبودن زندگی و معناداری آن و نیز هدفمند بودن خلقت انسان موضوع حق بحث شده در آثار فقه ی فقهای ما به تفصیل تبیین شده که قابل تامل و توجه است تلاقی فقه حقوق در کشورهای اسلامی به نحوی و در کشور ایران مخصوصا موضوعی نیست که از چشم ها پنهان باشد در این جغرافیا که با نظام مردمسالاری دینی و فقهی به طور ویژه نزدیک به نیم قرن بدرقه می شود، ربط وثیقی را بین فقه و حقوق، فقهاء و حقوقدانان، مشاهده می کنیم. جهت گیری بحث حاضر برای نمایاندن این پیوند در حد یک تکلیف پایان کاری می باشد. تعامل فقه و حقوق، فقیه و حقوقدان، در سراسر حوزه تشریع و قانونگذاری در ایران، بسیار تماشایی است تا جایی که هیچ قانون و حقوقی را نمی توان مخالف فقه پیدا و اثبات کرد. گرچه مواردی بظاهر تظاهر به عدم ناسازگاری کنند اما فقه، با آغوش پنهان و آشکارش آن را مهمان سفره گسترده خویش نموده و می نماید.

پیشینه تحقیق:

اندیشمندانی چون آیت الله شهید مطهری و آیت الله مصباح یزدی و ... در امتداد نگاه انسان های کامل و متعالی، چون نبی اکرم (ص)، امام علی (ع) و دیگر معصومان پیدا و نهان، با صراحت و با اشاره و کنایه ها، به موضوع حقوق شهروندی پرداخته اند و آثاری از این دست، پیش روی ما جلوه گری ها می کند. اینجانب، آثار متعددی را در تعقیب مساله حاضر به کار گرفته ام که در فهرست نهایی این اثر مشهود است. رعایت حقوق شهروندی و عدالت خواهی، ریشه در تاریخ تمدن بشری دارد و از قدیم، آثار و اسنادی مستند به جا مانده است. منشور حقوقی معروف کوروش کبیر، به عنوان نخستین اعلامیه حقوق بشر ایرانی، در زمینه ی تامین و تضمین حقوق مردم، محسوب می شود.

روش تحقیق:

انسان به دلیل برخورداری از قوای فکری و عقلی، همواره در اندیشه و تفکر درباره جهان و زندگی و مسائل گوناگون آن بوده است. بنابراین در برابر شناخته ها و آگاهی های او قرار می گیرد و به ذهن او خطور می کند طرح این سوال ها به شکل گیری راه حل های فرضی، ذهنی و تخیلی منجر می گردد. علیهذا با توجه به موضوع پژوهش، براساس روش های مختلف که در باب علوم انسانی وجود دارد، روش تحلیلی استدلالی و تطبیقی را انتخاب نموده است. لذا برای رسیدن به این مطلوب تلاش هایی برای دستیابی به سوابق و ادبیات مسئله صورت گرفته و با مطالعه و فیش برداری، استفاده از کتابخانه، استفاده از فهرست تحقیقات و مجموعه مقالات و آرشیوها، سیستم های اطلاع رسانی رایانه ای، توانستم موضوعاتی را انتخاب نمایم که از حیث نظری قابل اعتنا باشد.

مبانی نظری پژوهش

حق برخورداری از سلامتی در نگاه فقه و فقهاء

نگاه فقهی درخور به بخش سلامت در همه ابعادش در حوزه ی فقیهان نیز از افتخارات این طائفه است. فقیهان ما همانطور که در پرورش روح و روان در عرصه آموزش متعال دینی آثاری به یادگار برجای گذاشته اند؛ در امتداد آن به بخش سلامت نیز توجه خاص داشتند و در تندرستی جسم و جان شهروندان نیز عملاً وارد شده اند و آثار باقی مانده از فقیهان در ساخت بیمارستان ها و مراکز درمانی در حوزه های علمیه و دیگر بلاد قابل تعقیب و تحقیق است. در نگاه فقه، هرگاه انجام احکام شرعی و تکالیف دینی مستلزم وارد آمدن ضرر جسمی یا روحی به انسان گردد آن تکالیف برداشته خواهند شد. یعنی تکلیف به قدر طاقت و توان انسان ها است. قاعده ی لاجرج برای همین موارد در فقه وضع گردیده است. همه فقهایی اسلام روزه گرفتن را در صورتی که به زیان سلامتی انسان باشد، حرام دانسته اند. هرکس به هرمیزان توانایی دفع ضرر از حیات خود و دیگران را داشته باشد باید اقدام نماید و گرنه چه بسا سزاوار کیفر خواهد بود. مسلم است که مباحث فقه و فقهاء، در حوزه حدود، دیه و ارش، در امتداد عافیه جسمانی و سلامت روحی و روانی افراد، قابل ارزیابی است. لذا فقه برای ارتقای آن از طرح عوامل بازدارنده ای چون دیه تا تعزیر و حدود حساسیت بالایی را از خود نشان داده است از نظر فقه، هنگامی که پزشکی متخصص بیماری های چشم است جایز نیست که بیماری های دیگری مثل قلب را معالجه کند چون ضامن جان اوست. در فقه و فتوا چنین آمده است: هرگاه کسی که خود را پزشک خوانده ولی به پزشکی شناخته شده نیست، کسی را درمان کند و موجب تلف شدن یا صدمه ی او شود، ضامن است. (محمد ری شهری، میزان الحکمه، ۱۳۸۱).

ابن ادریس گفته است: « واجب است بر پزشک اینکه تقوای الهی داشته باشد در آن معالجه ای که بر مریض انجام می دهد و در مورد مریض خیرخواهی کند. » (علامه مجلسی، ۲۰۱۷، ج ۶۲، ص ۶۵) علامه حلی (ره): « اسلام برای حفظ و نگهداری پنج عنصر بنیادین زندگی انسان آمده است؛ و آن عبارت است از ۱. دین ۲. جان ۳. مال ۴. نسب ۵. عقل »

و حفظ جان و حیات، به عافیت و سلامتی آن است و نیز به امنیت آن.

حضرت علی (ع) فرموده است: « هر کس که طبابت می کند باید تقوای الهی داشته باشد و خیرخواهی نموده و کوشا باشد. »

(علامه مجلسی، ۱۳۶۳) پزشک مهمترین و بزرگترین مسئولیت را در زمینه کمک به بیمار به عهده دارد. چه به لحاظ ارائه کمک مادی مانند دارو و درمان مفید و چه به لحاظ ارائه ی کمکهای روحی و روانی. لذا آموزه های اسلامی به رعایت اخلاق توسط پزشکان در رابطه با شهروندان توجه زیادی دارد. با توجه به اینکه نیروی انسانی کارآمد و سالم در هر شهر و کشوری منشا خدمات گوناگون و بازدهی فراوان در همه حوزه هاست بر حاکمیت فرض است که در حوزه بهداشت و درمان بدون سیاسی کردن مساله، بستر مناسب و مساعد را برای شهروندان در حوزه ی سلامت جسم و جان و روحشان فراهم آورد و این امری است که شرع و عقل به شدت از آن دفاع می کنند.

در شریعت اسلام همانطوریکه در بعد هدایت و سلامت روح از هیچ موردی فروگذاری نکرده و آن ها را ارائه داده است به همین شکل در بعد سلامت جسمانی نیز بیانگر اصول و راهکار هایی کامل و شایسته نیز هست.

امروزه توسعه یافتگی متوازن و همه جانبه بیش از هر چیز مرهون تحول در بنیان فکری و اجرایی نظام سلامت جامعه می باشد و اینجاست که تعالیم و آموزه های بسیار مترقی اسلام در زمینه سلامتی، آن هم در قرن بیوتکنولوژی و نانو تکنولوژی ارزش خود را نمایان می سازد.

حق برخورداری از مواهب طبیعی در فقه و روایت

من احیی ارضا میتة فهی له . در قوانین مدنی هم آمده که : هرکس از اراضی موات و مباحه قسمتی را به قصد تملک احیاء کند مالک آن می شود و مراد از احیای زمین آن است که اراضی موات و مباح را به وسیله ی عملیاتی که در عرف، آباد کردن محسوب است، از قبیل زراعت، درختکاری، بنا ساختن و غیره... قابل نمایند. (شهید اول، شیخ ابی عبدالله شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی العاملی . لمعه .. ۱۳۸۸)

مباحات عامه: اموالی هستند که قبل از استفاده ملک کسی نیست و همه ی مردم میتوانند از آنها استفاده کنند، البته پس از بهره برداری باشرايطی گه خواهد آمد در ملک بهره بردار قرار میگیرند. حیوانات و پرندگان موجود در بیلان و دریا و هوا و نیز برخی از منابع آب و ثروت های معدنی (معادن ظاهری) در زمره ی مباحات هستند.

امام صادق ع به شاگردش فرمود : ای مفضل در باره رنگ آسمان بیندیش که خداوند آن را مناسب ترین رنگ برای چشم آدم آفریده است رنگی که دیده را قوت می بخشد . (همان)

حتی اگر از ارض مباحه با عملیات و تحصیل - معدنی را کشف کند بی بهره نیست . گرچه این بهره مطلق نخواهد بود . اما اگر معدن در زمین ملکی او واقع شده باشد صاحب ملک ، مالک آن می شود . لکن استخراج آن تابع قوانین مخصوصه خواهد بود . (همان - ص ۱۸۱)

مباحات عامه: اموالی هستند که قبل از استفاده ملک کسی نیست و همه ی مردم می توانند از آنها استفاده کنند، البته پس از



بهره برداری با شرایطی که خواهد آمد در ملک بهره بردار قرار میگیرند. حیوانات و پرندگان موجود در بیابان و دریا و هوا ونیز برخی از منابع آب و ثروت های معدنی (معادن ظاهری) در زمره ی مباحات هستند.

حق رفاه و آسایش در فقه و روایات

در شریعت اسلامی مسئله توسعه و رفاه اقتصادی تحت عنوان « جبایه الخراج و عماره البلاد » مورد توجه قرار می گیرد. امام علی (ع) از جمله وظایف مالک را جبایه و خراج ها و جهاد ع دو ها و استصلاح اهل ها و عماره ب لاد ها... ذکر می کند، مالیات را جمع آوری می کند، با دشمنانش نبرد می کند، کار مردم را اصلاح و شهرها (مصر) را آباد سازد.

توجه به آبادانی شهرها اولین دستوری است که حضرت امیر (ع) به مالک اشتر می دهد زیرا جامعه ی عقب مانده از نظر رفاه عمومی و علم و صنعت و شهرسازی، چهره ی یک جامعه ی اسلامی نیست. این وظیفه دولت اسلامی است که با جبایت الخراج (جمع آوری مالیات) و سایر درآمدهای عمومی به توزیع عادلانه ثروت بپردازد و غبار فقر را از چهره ی مردم جامعه ی اسلامی بزداید.

امام در عهد نامه اش دستوراتی به مالک جهت رفاه و آسایش مردم تنگدست بیان داشتند که ذکر آن بسیار مناسب است. شرح نامه به ترتیب ذیل می باشد: خدا را خدا را، در خصوص طبقات محروم جامعه که هیچ چاره ای ندارند : زمینگیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده و گروهی به گدایی دست نیاز برمی دارند. پس برای خدا پاسدار بنابراین به منظور برطرف کردن فقر از جامعه: بخشی از بیت المال و بخشی از غله های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیکترین آنان، سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می باشی.

مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد. هرگز انجام کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت های کوچکتر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی مگردان. برای این گروه از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند؛ فردی را انتخاب کن تا درباره آن تحقیق کند و مسائل آنان را به تو گزارش دهد. از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره ای ندارند و دست نیاز بر نمی دارند پیوسته دلجویی کن. در ادامه حضرت رسیدگی به امور فقراء را وظیفه ای سنگین برای زمامداران می داند و این کار (رسیدگی به امور اقشار آسیب پذیر) مسئولیتی سنگین بر دوش زمامداران است اگرچه حق، تماشش سنگین است. ((نهج

البلاغه، نامه ۵۳))

حق برخورداری از امنیت در فقه و نگاه فقها

این مساله هنگامي جای تامل دارد که حوزه مطالعات امنیتی با پدیده «امنیت» به مشابه امری هنجاری سر و کار دارد و به شدت آغشته زمینه های ارزشی و بومی است. اهمیت این مساله در آن است که سنت مطالعات امنیتی در علوم اسلامی به اندازه ی تاریخ اسلام قدمت دارد؛ زیرا پیدایش اسلام، مباحث امنیتی دراز دامنی را با خود همراه داشته است. چه در سه سال اول دعوت حضرت خاتم(ص)، که به صورت مخفیانه بود و چه بعد از آن که از حصر و تحریم مسلمانان در شعب ابی طالب آغاز شد و با هجرت به مدینه و سپس حملات متعدد مشرکین به دولت تازه نفس اسلامی ادامه داشت، همگی با رنج و زحمت توأم بود. لذا از این مقوله به عنوان زمینه های مطالعات امنیتی می توان در علوم اسلامی یاد کرد.

در سنت اسلامی از دانش سیاسی به «علم مدنی» تعبیر می شد. متفکران علم مدنی را به دو بخش فلسفه مدنی و فقه مدنی تقسیم می کردند. (فارابی احصاء العلوم، ۱۳۸۹)

فقه سیاسی مواجهه ی دو سویه زندگی سیاسی و نصوص اسلامی از طریق زبان و دستگاه فقه است. فقه امنیت در ادامه ی چنین دیدگاه قابل فهم ارائه شده است. سنت فقهی: این شاخه از مطالعات امنیتی است که توسط فقها پایه ریزی و شکوفا شده است. امنیت در مرکز تصمیمات و وظایف حکومت اسلامی است و همچنین در مرکز توجه فقه نیز قرار دارد و طبق دیدگاه برخی از فقها، و بلکه دین اسلام برای تأمین امنیت دنیا و آخرت انسان و جوامع انسانی آمده است.

حق اشتغال در فقه و نگاه فقها

از مسلمات فقهی ما این است که در اسلام هر کس در انتخاب شغل خود آزاد است و فعالیت در زمینه های مختلف صنعتی و تجاری، آزاد اعلام شده است. براساس « اصل اباحه » به عنوان یک قاعده ی کلی، اصل در اشیاء و در اعمال حلیت است مگر آنکه دلیل خاصی بر حرمت آن اقامه گردد. سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) نیز بر این امر دلالت دارد. البته بعضی مشاغل در اسلام برای رعایت حق کسب و کار از مسلمات فقهی به حساب می آید و کسی نمی تواند حتی در انتخاب شغل و کار بر دیگری تحمیل روا دارد.

فقهاء با مسلم انگاشتن کسب و کار و و انتخاب شغل دلخواه، به عنوان حق آدمی، به موارد استثنائی ممنوعیت (حرمت) کار و کسب و تجارت پرداخته اند که در اصطلاح « مکاسب محرمة » نامیده می شود (اثر گران سنگ شیخ انصاری(ره)). مکاسبی مطرح است که مشروع نیستند. شغل هایی مانند شراب فروشی، توزیع مواد مخدر و فروش آن، دایر کردن اماکن قمار بازی و مراکز فساد و فحشاء ممنوع شده است. موارد دیگری نیز به عنوان مکاسب محرمة و تجارت های حرام در فقه آمده است. فقهاء نیز حساسیت خود را نسبت به این مشاغل اعلان کردند.

حق مالکیت در فقه و قول فقهاء

استاد مطهری در تبیین ملکیت (مالکیت) حقیقی و اعتباری و چگونگی این اعتبار میفرماید: آنچه انسان در دنیای واقع یافته است مالکیتی است که میان خود و اعضا و قوای خود یافته است. انسان نظیر این ارتباط را میان خود و محصولات طبیعت است و یا محصول کار و سرمایه و طبیعت است فرض میکند و در عالم فرض و اعتبار، وجود خود را گسترش میدهد و با قرارداد اجتماعی، آنرا معتبر می شمارد. پس از این برای خود، نسبتی بابعضی ثروتها قائل میشود که معتقد است این نسبت، میان آن نسبت و دیگران نیست. (مرتضی مطهری، ۱۳۸۴)

تلف و تضییع اموال اهل کتاب را که در پناه حکومت به سر میبرند و حتی اموالی را نزد مسلمانان مالکیت ندارند، موجب ضمان می داند. البته حق مالکیت در اسلام محدودیتهایی از قبیل مالیات شرعی و عدم اضربه دیگران و امثال آن دارد که در جای خود بحث می شود.

مالکیت اعتباری توسط عقلا برای شخص اعتبار میگردد، این قسم از ملکیت اعتباری بوده و از اعراض نمی باشد بنابراین. قائم به موجود خارجی نیست مانند زکات و خمس که آنها را به طور طبیعی فقیر و سید (دارا و ندار) مالک میشوند ولی وجود آندو در خارج معتبر نمیباشد. البته باید دانست که این اعتبار میتواند توسط عقلا و یا شرع باشد. هم چنین شرع میتواند در مواردی اعتبار عقلا را تأیید نکند. (فراهانی فرد، ۱۳۹۴)

مباحات عامه: اموالی هستند که قبل از استفاده ملک کسی نیست و همه ی مردم می توانند از آنها استفاده کنند، البته پس از بهره برداری با شرایطی که خواهد آمد در ملک بهره بردار قرار میگیرند. حیوانات و پرندگان موجود در بیابان و دریا و هوا و نیز برخی از منابع آب و ثروت های معدنی (معادن ظاهری) در زمره ی مباحات هستند.

تفاوت بین مباحات عامه و سایر اشکال مالکیت در این است که در مالکیت مالک می تواند دیگران را از تصرف در مملوک خود منع کند اما کسی نمی تواند دیگران را از استفاده مباحات عامه منع کند. البته اگر چه دولت نسبت به این ثروت ها مالکیت ندارد، می تواند بر نحوه ی بهره برداری از آنها نظارت داشته و در برخی مواقع برای حفظ مصالح عموم مردم و نیز مصالح نسل های آینده استفاده از آنها را کنترل نموده و یا موقتاً متوقف کند. همچنین خود دولت نیز می تواند مانند سایر مردم از آنها استفاده کند.

مباحات عامه جزء هیچ یک از سه قسم از مالکیت (خصوصی دولتی و عمومی) قرار داده نشده است، تحت این عنوان که همه ی مردم با شرایطی می توانند از آنها استفاده کنند دیگر قسم چهارمی از مالکیت قرار نگرفت.

دسترسی شهروند به عنوان مالک نسبت به مواهب طبیعی و یا استفاده از آنها برابر قانون تعریف شده می باشد و از طریق آن به حق بهره برداری از آن مواهب نایل می آید. راهبردهای مختلف قانونی در هر منطقه ای از زندگی شهروندان برای تصرف و بهره وری بر اساس ماده ی ۲۷ قانون مدنی مباحات اموالی است که ملک اشخاص نمی باشد و افرادی می توانند آنها را مطابق قانون، تملک و یا از آنها استفاده کنند در این قانون اراضی موات از مصادیق مباحات دانسته شد که مطابق روایات و نیز اصل ۴۵ می باشد.

مهم ترین مبنای این نوع مالکیت، تشریع مالکیت انفال برای پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) و پس از آن برای فقیهان است. این تشریع در آیات سوره ی انفال، حشر و روایات فراوانی بیان شده است.

حق تحصیل علم در فقه و قول فقهاء

افضل العبادہ الفقہ: برترین عبادت علم فقه (شناخت دین) است. (کنز العمال / ۲۸۷۶۸) آیه (نفر) سوره توبه / ۱۲۲: شایسته نیست که مومنان همگی {برای جهاد} کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی بسوی آنان باز گشتند بیم دهند؟ باشد که آنان بترسند.

خود این آیه، فقه و فقیه می پروراند و اصولاً حوزه های علمیه مسلمین و شیعیان با زعامت فقهاء، در طول تاریخ اسلام از مکتب مدینه دیروز تا مکتب قم و نجف امروز، مسلمین در تعلیم و تشویق علوم مختلف، در امتداد نگاه چنین آیه ای تحقق یافت. و از آنجایی که زعما - مجتهدین و مراجع هر عصری تعلیمات فقه و علوم اسلامی را واجب می دانستند از طریق خمس اموال شیعیان و وقف واقفان و... هزینه های زیادی بخاطر این امر، لحاظ کردند و چه بسیار عالم دین و مبلغان شریعت، تربیت نمودند. که لولا حضور چنین جمعیت طالب علم - امر دین و شریعت سامان نمی گرفت.

غرض آنکه: خود ماهیت فقه و دعوت فقیهان ادوار مختلف - بسیج گسترده علمی را در هر بلاد صاحب نام - به وجود آورده است و خون دلهایی که در این باب بزرگان ما متحمل شده اند بسیار قابل اعتناء است.

حضرت آیه الله جعفر سبحانی از مراجع فعلی در کتاب سیمای عقاید شیعه ص ۴۹ نوشته اند که: این تلاشهای بزرگ در راه دانش و فرهنگ که از قرن اول هجری آغاز شد و تا کنون ادامه دارد و به خاطر همین ها حوزه ها

- مدارس - دانشگاه ها و مراکز فراوانی تاسیس شده است - به دست عالمان و شخصیت های شیعه سامان گرفت و هر گز لحظه ای این خدمت علمی به بشریت و تمدن اسلامی و انسانی دچار وقفه نگسته است. کتابهای زندگینامه ها و فهرستها پر از یاد بزرگان شیعه در میدانهای مختلف علوم است. فرقی بین فقه - اصول - قرآن - حدیث و علوم قرآن و حدیث - لغت و ادبیات... نیست. همچنین شیعه نقش عمده ای در تاسیس دانشگاه ها و مراکز علمی در شرق و غرب جهان اسلام داشته است.

بنا بر این فقه های اسلام - مخصوصاً فقه های شیعه با لسان و بنان و عملکردهایشان، پرچم علم را بلند نگاه داشته اند و از پر آوازه ترین طایفه منادی علم و فهم فقیهانه بوده و هستند.

حق آزادی بیان در فقه

درفقه اسلام از تغییر عقیده به ارتداد تعبیر شده و برای آن مجازات مرگ در نظر گرفته شده است. بررسی این مسئله در جای خود آمده است. نظریه ی فقهی آیت الله فاضل لنکرانی ره چنین است: «چنانکه شک و شبهه، برگشت به انکار توحید، نبوت و تکذیب و تخطئه پیامبر اکرم (ص) بکند، فرد محکوم به ارتداد است ولی چنانکه شک و شبهه صرفاً، نشانه نبودن ۳/۴ و دینداری او باشد فقط احکام مسلمانان بر او مترتب نمیشود مثل اینکه



نجس است و در گورستان مسلمین دفن نمی شود».

براساس این فتوا احکام مرتد فطری و ملی برهرکس که از زمره ی مسلمانان خارج شود و اعتقادات اسلامی را از دست بدهد جاری نمیشود بلکه کیفرهای مقرر درباره ی مرتد به کسانی اختصاص دارد که به انکار و تکذیب توحید و رسالت پردازد .

در تغییر عقیده اساسا عقیده امری تحمیل بردار نیست (لا اکراه فی الدین) آزادی از تفتیش عقیده هم مطلوب اسلام نیست. هرکس، حق آزادی عقیده و بیان دارد. کاری که امام علی (ع) نسبت به خوارج روا داشت-امام علی (ع) با متانت و صبوری آنان را تحمل کرد ولی وقتی به اخلاق و عقاید مردم پرداختند و در رفتار به خشونت روی آوردند قضیه طور دیگری رقم خورد .

درفقه سیاسی، آزادی بیان، محدودیتهایی رابه همراه دارد . ایمان-اعتقاد دینی-اجرای احکام و قوانین الهی-حریم شخصی-غیبت-تهمت-افتراء-مسخره کردن دیگران وفاش کردن اسرار مردم-ممنوعیت نشر و حفظ کتب و فیلم های گمراه کننده-حقوق و مصالح جامعه-از موارد محدودیت آزادی بیان در فقه فتوی ، هستند. (صداقت-۱۳۹۱)

حق داشتن امر به معروف و نهی از منکر در فقه و قول فقها

از حضرت آیه الله مکارم سوال شد : با وجود نهادی برای امر به معروف در نظام جمهوری اسلامی ، آیا وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر از دیگران سلب می شود؟ در صورت تداخل کار آنها با دیگران ، تکلیف چیست؟

ایشان فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر یک حکم عام است و همه به قدر توان خود موظف به آن هستند و وجود چنین نهادی سلب مسئولیت از دیگران نمی کند و موارد تداخل را با برنامه ریزی باید حل کرد.

از دید قرآن و روایات امر به معروف و نهی از منکر ضامن بقای جامعه و ترک این دو سبب نابودی و هلاکت جوامع است.

در مجموع میتوان از معروف و منکر به ارزشها و ضرارزشها تعبیر نمود. یک شهروند فعال و حق مدار باید ناظر و مراتب همه ی اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می افتد.

این مطلب در فقه اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهمترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار میرود. چنانچه از مهمترین فرائضی است که وجوب کفایی آن ضروری دین شناخته شده است. (مصباح یزدی، ص ۵۴، ۱۳۸۹)

از آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، امنیت اجتماعی می باشد که سایر آثار اجتماعی آن مثل بقای جامعه، وحدت، اجرای احکام، آبادانی و سازندگی و ... همگی در راستای توسعه ی پایدار ملی قرار می گیرد. در راستای توسعه ی پایدار ملی باید به تبیین کارکردها و آثار امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شود.



انسجام و بقای جامعه و وحدت آن از دیگر آثار آشکار امر به معروف و نهی از منکر است. همه ی افراد در جامعه همچون سرنشینان یک کشتی دارای سرنوشت یکسانی هستند و مسافران کشتی صرف نظر از مقرراتی که توسط مؤسسه ی کشتیرانی یا نا خدا به آن ها ابلاغ میشود به طور طبیعی حق دارند و موظفند از اموری که ممکن است آنها را در کام دریا جای دهد شایسته جلوگیری کنند و در جهت حفظ کشتی و مسافران از هر خطری کوشش نمایند. لذا هم حاکمیت و هم شهروند نسبت به نجات فردی و اجتماعی در جامعه تحت این فریضه عقلی و شرعی همت لازم را مبذول می دارند.

حق ازدواج در فقه و نگاه فقها

در فقه زن و مرد از سه راه به یکدیگر محرم می شوند: ۱- نسب (خویشاوندی) ۲- رضاع (شیر خوردن) ۳- ازدواج. ازدواج بر دو قسم است: دائمی و موقت: عقد دائم آنست که مدت زناشویی در آن تعیین نشود و عقد موقت آنست که مدت زناشویی در آن تعیین شود. زنی که به این قسم عقد کنند را متعه یا صیغه گویند. هر دو ازدواج در بسیاری از احکام و مسایل مشترک اند؛ اینکه در هر دو باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست. و اینکه خود زن و مرد می توانند صیغه را بخوانند و یا دیگری برای آنها به عنوان وکیل اجرا نماید.

ازدواج از نظر اسلام و فقه سنت است و مستحب تعبیر شده است، مگر خوف از گناه و معصیت باشد که در آن صورت در فقه وجوب آن، با بودن شرایط، ثابت است. ازدواج در اسلام به عنوان یک امر بسیار مقدس و یک عبادت کم نظیر و در برخی موارد به عنوان واجب شرعی به شمار می آید. در اسلام هیچ بنایی محبوب تر از بنای ازدواج نیست. دو رکعت نماز شخص ازدواج کرده برتر از هفتاد رکعت نماز انسان عزب ارزیابی شده است و ترک ازدواج ملازم با برادری شیطان دانسته شده است... بدترین و پست ترین مردگان و اموات مسلمان، انسانهای عزب دانسته شده اند: یعنی کسانی که احساس نیاز به ازدواج می کنند و تمکن روزی مرحوم کاشف الغطا از مراجع بزرگ تقلید پس از پایان درس فرمودند: من دختری دارم که وقت از دوازش فرا رسیده است اگر یک فرد متدین و اخلاقی باشد من او را به دامادی می پذیرم. در این میان یکی از حضار از جای خود برخاست و پس از لحظه ای بدون حرف زدن نشست. پس از اتمام جلسه مرحوم کاشف الغطا او را به خانه اش دعوت کردند معلوم شد یکی از شاگردان فاضل ایشان هستند. یعنی همه باید این حق را به رسمیت بشناسند چون «انکحوا» از نظر قواعد ادبی امر است و این امر متوجه فرد، فرد جامعه و کلیه مردان و زنان است. مالی نیز برای ازدواج دارند اما از ازدواج خود داری می کنند بدترین و پست ترین مردگان مسلمان، به شمار می روند. صرف نظر از اینکه تفاوت های زن و مرد موجب تفاوت هایی در حقوق و مسئولیت های خانوادگی زن و مرد می شود یا نمی شود، اساساً این مساله یکی از عجیب ترین شاهکارهای خلقت است، درس توحید و خداشناسی است آیت و نشانه ای است از نظام حکیمانه و مدبرانه جهان، نمونه بارزی است از اینکه جریان خلقت تصادفی (عبدالمجید دشتی برازجانی نشر آثار مطهری، ۱۳۹۳)



حق دفاع از مال و جان و آبرو در فقه

فقه و جان: اگر مهاجم به کسی هجوم آورد تا ظالمانه او را بکشد بر او لازم است با هروسیله ای ممکن از خود دفاع کند و تسلیم شدن و پذیرفتن ظلم جایز نیست (خمینی - روح الله - ۱۳۸۵) و حتی تا پای کشتن مهاجم می تواند به دفاع ادامه دهد (همان - ص ۴۸۸). حتی اگر نتواند بکشد نباید تسلیم شود (همان - ص ۴۸۹) و اگر به اقربا و وابستگان (زنان و فرزندان - پدر - و برادر) تا حتی خدمه او ظالمانه حمله شود او در دفاع تا سرحد کشتن مهاجم می تواند پیش برود . (همان - ص ۴۸۷)

فقه و مال: انسان حق دارد از اموال خود در حد توان مراقبت کند و باید در مقابل دزد از مال خود دفاع کند . (همان - ص ۴۸۷) و اگر کسی به مال انسان یا خانواده اش هجوم برد می تواند مهاجم را به هروسیله ممکن دفع کند گرچه به کشتن او بینجامد (همان - ص ۴۸۸) اگر مدافع برای راندن دزد چاره ای جز زدن و مجروح کردن ندارد چنین کند و در این صورت ضمانی در کار نیست ((همان ۴۹۰)). در صورتی که بعد از کتک خوردن دزد راه گریز را انتخاب کند نباید تغقیب اش کرد و صدمه زد و الا ضامن است . ((همان - ص ۴۹۰)) و هم چنین اگر دستگیری اش کرد ... ((همان)). اگر صاحب مال از جان خود در دفاع از مالش می ترسد شایسته نیست که جانش را بخطر اندازد ((همان ص ۴۸۸)).

فقه و دفاع از آبرو: حریم عبارت است از آنچه که دفاع و حمایت از آن واجب باشد. از این رو به زنان خانواده اعم از مادر و همسر و خواهر و همچنین فرزندان - اعم از دختر و پسر - حریم گفته می شود . ((المنجد - وازه حرم . لغت نامه دهخدا - وازه حرم .)).

حق تظلم خواهی در فقه و نگاه فقها

-از نظر شرع اسلامی، حل و فصل نزاع ها و اختلافات و شنیدن دعاوی مردم از وظایف ذاتی حکومت است و نظر غالب فقهاء نیز بر ارائه رایگان خدمات قضایی در حکومت اسلامی است؛ آنطور نباشد که بخاطر هزینه دادخواهی فقط قشر متمکن توانایی طرح دعاوی خود را داشته باشند و قشر ضعیف و آسیب پذیر بخاطر هزینه طرح شکایت، از این حق مسلم خویش در قانون بی نصیب بمانند. افزایش نرخ خدمات قضائی زمینه دامن زدن به بی عدالتی هاست. صاحب نظران بر آنند که براساس مباحث فقهی اسلام، حل و فصل دعاوی رایگان است و مشاهده نشده که از اصحاب دعوی مبلغی دریافت شود. البته شاید توجیه افزایش نرخ هزینه دعاوی به دلیل آن بوده است که شهروندان کمتر به طرح شکایت بپردازند و مراکز قضائی از ورود پرونده های شاکیان، نفس را حتی بکشند! در حالیکه افزایش هزینه ها تاثیری در کاهش دعاوی ندارد؛ در واقع دولت و مجلس نباید به دیده یک منبع درآمد برای کشور به هزینه های دادرسی نگاه کنند؛ چون این امر موجب تضییع حقوق ملت می شود که این موضوع در قانون اساسی صریحا و به نحو آمره نهی و منع شده است.

چه نیکوست که قوه قضائیه و حکومت به جای جبران کمبود بودجه، بودجه ی خود را به جای تظلم خواهان، از فراریان مالیاتی جبران کنند. جبران کمبود بودجه از جیب اهالی تظلم و دعاوی، بدترین روش اخذ درآمد دولت است. چون فریادرسی به نوعی و به اعتباری مانند طبابت است که افزایش هزینه مراجعه به پزشک و جراح تا چه اندازه افراد فقیر و مسکین را به کام مرگ فرو میبرد و این بخاطر عدم قدرت ورود به مراکز



تخصصی درمانی است. به همان میزان افزایش هزینه دادخواهی و دعاوی، چه بسا ضعفا را تحت فشار ظلم و بی عدالتی رنج دهد. و هر دو

امر در حوزه درمان دردها و رسیدگی به دعا مغایر اهداف عدالت خواهانه نظام درمانی و قضایی در درون نظام است. گرچه هنوز هم نظری وجود دارد که دادرسی گران، باعث عدم ورود موارد غیر ضروری از شکایات به حوزه دادگستری هاست یعنی بسیاری از دعاوی هستند که مردم خود می توانند آن ها را بین خود حل و فصل کنند و نیازی به مراجعه به دادگستری نیست تا پرونده قضائی تشکیل شود. (سایت خبرگزاری دانشجویان ایران).

حق کمک به افراد مظلوم و ضعیف در فقه

از آنجایی که هر مسلمانی و معتقدی که قرآن و نگاه خداوند تعالی را تعقیب می کند تا به رضوان الهی برسد و وظیفه ی خویش را در این موضع گیری ها عملیاتی کند به خود حق میدهد که در برابر ظلم ظالمان علیه مظلومان و محرومان ساکت ننشیند و این خواست طبیعی و میل فطری هر انسانی است و باید این نگاه را به دیده ی احترام نگریست و همه ی کسانی که بتوانند این حق فطری را با مدد و یاریشان در مسیر جریان عملی قرار دهند به اقتضای عقل و دین باید پای کار باشند. این نگاه در سیره ی انبیاء و اولیاء گرامی موج می زند و سراسر زندگی آن بزرگواران را تحت تاثیر اعانه ی مظلوم و شکستن ظلم و ظالم نشان می دهد.

آنچه در حوزه فقه مخصوصا از کتاب قضا در مورد قصاص - دیه و حدود... بحث می شود در واقع دفاع خداوند از مظلوم - ضعیف و زخم خورده در برابر ظالم و زورگوی قوی و جانپان جنایت کار است. لذا فقه قضا به اعتباری یک جریان فقهی انقلابی در دفاع از مظلوم - مجروح و افراد آسیب پذیر تلقی می شود

حق مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی فقه

همچنین در فقه محورهای وجود دارد که مشارکت مردم را در امور اجتماعی و سیاسی نه تنها حق، بلکه تکلیف میداند (تأکید امام خمینی و امام خامنه ای) لذا امر به معروف و نهی از منکر، اصل شورا و مشورت، بیعت، تعاون، نصیحت رهبر مسلمین، رضایت عمومی و... از مهم ترین محورها و عناوین هستند که به صورت مبسوط در فقه و کلام اسلامی مورد بحث قرار گرفته اند. با نگاهی اجمالی به این فرآیندهای مشارکت در اسلام، خواهیم دید که مشارکت سیاسی در اسلام از نوع فعال و رقابتی است.

با اینکه در هر قوم و ملتی یک راعی سیاسی، حکومتی حاکم و مسئول ملت است و بقیه رعیت او محسوب می شوند اما در این نگاه پیامبر اسلام همه نسبت به یکدیگر راعی و مسئول اند و همین فرد راعی با نگاه فرد دیگر راعی محسوب می شود لذا رعیت و حاکم به صورت متناظر مخاطب این فرموده پیامبرند.

امام خمینی (ره) در توضیح و معنای این حدیث شریف می فرمایند: «همه باید مراعات کنند؛ همه شما راعی هستید، همه مردم و همه نیز مسئول هستند... مسئولیم در مقابل خدا و در مقابل وجدان و همه ما باید مراعات بکنیم [همدیگر را] یعنی اینکه مراعات خودمان را، بلکه مراعات همه ی

شما را بکنیم و شما هر یک مراعات همه افراد را ...» (صحیفه نور، ج ۱۹)

در تایید روح مشارکت جویانه ی آموزه های اسلامی میتوان به نظرات مراجع عظام تقلید (بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران) در مورد مشارکت فعال مردم در امور سیاسی اجتماعی و به خصوص شرکت در انتخابات که یکی از شاخص های مشارکت رقابتی فعال است اشاره کرد که اکثر ایشان مشارکت را تکلیف می دانند.

حق برگزاری شعائر دینی در فقه و قول فقها

شکی نیست که امام خمینی به عنوان بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی، از بزرگترین کارشناسان دین و مؤثرترین حکام اسلامی و مبتکر حکومت اسلامی در عصر کنونی است. گفتار و رفتار آن مرد بزرگ در تنظیم روابط اجتماعی و مدیریت حکومت اسلامی، برگرفته از فهم عمیق ایشان از فلسفه برقراری نظام اسلامی و اندیشه روشن وی در ایجاد روح دینی در فضای جامعه اسلامی است. بررسی اندیشه او در ارتباط با موضوع مورد نظر، می تواند به عنوان اندیشه عملی فقه اسلامی در جامعه، بسیار راهگشا باشد. ایشان هیچ گاه در حکومت، صرفاً به شیوه سلبی عمل نکردند، یعنی فلسفه تشکیل حکومت را در برخورد با اخلاص گران و اشرار و مخالفان نظام منحصر نکرده اند، بلکه آنچه که اصالتاً وظیفه خود دانسته است، برقراری عدالت و فراهم سازی امنیت دینی و ایجاد فضای توحیدی در سطح جامعه بوده است. امام خمینی (ره) در سخنانی به راز بزرگداشت شعائر به نحو عام و در مورد شعائر حسینی به طور خاص، اشاره نموده و علمای شهرها را بدانتوصیه می کند و به عنوان رهبر دینی و حاکم اسلامی، آنها را به همت مضاعف نسبت به اقامه آن توصیه می نماید. وی تصریح می کند:

لازم است به مؤمنین و مسلمانان تذکر دهید، در مساجد جهت انجام فرایض دینی و شعائر مذهبی اجتماعاتشان را زیادتر و منظم تر کنند؛ چون فعلاً بهترین وسیله مبارزه، همین اجتماعات منظمی است که بشود به وسیله آنها در اعلا ی کلمه طیبیه اسلام کوشش نمود (امام خمینی، ۱۳۷۸ ش،)

تأکید ایشان نسبت به پررنگ تر نمودن مراسم عزاداری بر سالار شهیدان بر کسی پوشیده نیست، وی خود در رثای آن ارباب دلها و سالار شهیدان، حسین بن علی به شدت می گریست و دیگران را نیز به این امر توصیه می نمود. ایشان، گذشته از آثار عاطفی و مذهبی برپایی عزاداری، همواره به آثار و راز سیاسی برقراری شعائر حسینی اشاره می کرد و آن را دلیل پیروزی نظام اسلامی می دانست و به همین سبب، به عنوان یک حاکم دیندار و دینی، به برپایی سوگواری بر سالار شهیدان امر می کرد:

حق برخورداری از عدالت و مساوات اجتماعی در فقه و قول فقها

شهید مطهری همسو با نگاه افلاطون در تعریف عدالت اجتماعی بیان میکند که اگر در یک جامعه مناسب به صورت درست، یعنی براساس لیاقت، استعداد و تخصص افراد به آنها واگذار شود، عدالت در بعد اجتماعی، سیاسی و اداری به طور کلی سامان می گیرد و نتیجه آن رضایتمندی مردم و جامعه است. (دکترمردی، ۱۳۹۶)



عدالت اجتماعی به عنوان یک آرمان، بیانگر حیات طی به و روابط سالم بین اجزای یک جامعه است. درسایه عدالت نه تنها راه برای ظلم و سودجویی بسته می شود بلکه بستری مناسب برای رشد استعدادها و ارزش های انسانی فراهم می شود. همچنین حق هر صاحب حقی به طور طبیعی به او داده می شود. دین مبین اسلام که قوانین آن ریشه در واقعیت عالم هستی و نیازهای حقیقی انسان دارد توجه زیادی به عدالت اجتماعی و اقتصادی نموده است. آیات قرآن کریم به عدالت اجتماعی که رکن اساسی دین در محور توسعه ی جامعه است ورود با معنایی دارد.

عدالت اجتماعی یا حقوق اجتماعی، نوع خاصی از سلسله تعهداتی است که دولت به نمایندگی از جامعه در برابر مردم به عهده دارد مانند فراهم کردن کار برای همه، بهبود شرایط کار و زندگی، تامین اجتماعی، خوراک، مسکن، بهداشت و غیره که امروز با عنوان حقوق اجتماعی بررسی می شوند.

خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و سلامتی، تشکیل خانواده و دیگر امور رفاهی از جمله حقوقی است که جامعه وظیفه دارد اولاً: به این حقوق به دیده ی احترام بنگرد و ثانياً: برای تامین و تضمین آنها به افراد ناتوان یاری برساند.

پذیرش حقوق اجتماعی در غرب از آثار نفوذ اندیشه سوسیالیسم و افکار اصلاح طلبانه و عدالت خواهانه بود که برای کاهش بی عدالتی ناشی از مکتب لیبرالیسم ارائه شد. در پی نهضت های فکری و اجتماعی، لیبرالست ها در برابر این اندیشه تسلیم شدند و پدیده ای به نام حقوق اجتماعی به دیگر حقوق شهروندی اضافه شد.

حقوق اجتماعی به حقوق طبیعی هر فرد برای بهره مند شدن از حداقل حقوق استاندارد رفاه اجتماعی گفته می شود و در واقع، حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط است. ((آنتونی گیدنز، ۱۳۷۸))

امروزه دولت رفاه، بدین معناست که سازمان های حکومتی برای کسانی است که توانایی تامین زندگی خود را از طریق اشتغال مفید ندارند (بیکاران و از کار افتادگان و پیران) مزایای مادی فراهم کند.

عدالت قضایی در فقه و نگاه فقها

امام خمینی (ره) در اصالت عدالت در بخش قضا هم فرمایشات مبسوط و دستور العمل نمایانی دارند. ایشان یکی از شرایط قاضی را عدالت او می داند. امام (ره) امضای حکمی را که از ناحیه ی قاضی غیر عادل صورت گرفته باشد جایز نمی داند.

ایشان هم چنین ترافع نزد قاضی جور را حرام دانسته است. امام (ره) قاضی را در سلام کردن و جواب آن، نشستن، نظر کردن، کلام، صوت و لحن کلام، اکرام، حکم غنی و فقیر و نگاه نمودن نسبت به متخاصمین به رعایت عدالت و مساوات دستور داده است. صلاحیت اخلاقی او نیز نهایت اهتمام به عمل آمده است. قاضی باید مبر از هرگونه گناه باشد و او گناهی که مستقیماً با مسائل قضایی سر و کار ندارد.

بودجه قاضی باید به طور وافر از بیت المال مسلمین تأییدیه شود. قاضی به هیچ وجه حق ندارد از متخاصمین اجرت بگیرد. مسند قضا آنقدر محترم

است که طرفین دعوا هر که باید ولو خلیفه ی وقت باشد آنچنانکه تاریخ در سیره ی علی (ع) نشان می دهد باید با کمال احترام بدون هیچ گونه تبعیضی در پیشگاه قضا حاضر شوند.

اقرار و شهادت و در برخی موارد سوگند نقش موثری در اثبات یا نفی دعاوی در نظام قضائی اسلام دارد. این نگاه به قاضی در اسلام تماما_ برای حفظ حقوق شهروند و مراجعین حوزه ی قضا و داوری است.

حق انجام معاملات در فقه و کلام فقها

اصل معاملات از ناحیه ی قرآن و سنت بسیار تشویق شده است حتی بدون تردید معامله با کفار نیز جایز است و فقهاء هم در معامله ی با روس و دیگر کشورهای کفر - اشکالی نداشتند؛ ولی در آن مقطع زمانی، آخوند خراسانی و چند مرجع دیگر، بر اساس مصلحت به حرمت آن حکم کردند. پس از پیروزی نهضت مشروطیت نیز این حکم در زمان تهاجم روس و انگلیس به ایران با شدت بیشتر و بدون قید و شرط از سوی آن بزرگواران تجدید شد.

حکم حکومتی مرحوم میرزای شیرازی در بهم زدن معامله برادران رژی در ایران در معامله ی تنباکو در امتداد همین نگاه قابل توجیه و تبیین است. هنگامی که قوای انگلیسی جنوب ایران را میدان تاخت و تاز خود قرار داده و به اشغال خود درآوردند، علمای نجف و شیراز به مبارزه ای جدی علیه اشغالگران برخاستند.

آیت الله سید عبدالحسین لاری فرمان جهاد را صادر کرد. همچنین آیت الله میرزا ابراهیم محلاتی در یک مبارزه صنفی، داد و ستد با اتباع انگلیسی را تحریم و در حکم دشمنی با امام زمان (عج) دانست. کنسول انگلیسی در گزارش خود چنین آورده است: «مجتهدان، پیگیرانه کسبه را از فروش به قشون انگلیسی باز می دارند و کارگران ایرانی را از اشتغال به کارهای مرجوعه ی قشون، جلوگیری کرده اند». (قربانی، ۱۳۸۲)

بنابراین معامله گری و تجارت - بازار پرشوری در کلمات شریعت و فقه و فقها دارد و بسیار باطبع زندگی بشری همراه است و اصولا گردش زندگی با داد و ستد همراه است و همه آحاد شهروندی حق دارند که وارد این بازار پرشور شوند و دولت موظف است که بستر معاملات داخلی و خارجی را برای آنان فراهم سازد و دست انحصارطلبان مافیایی را در این عرصه با وضع قوانین و تعقیب اجرایی آن کوتاه نماید. حتی حواس دولت و مسئولان امر باید به فعالیت خرده فروشان و کاسبان محلی و سیار- جمع باشد و همگان را کریمانه با حمایت خویش در مسیر کسب و کار بدرقه نماید.



تأثیر فقه و احکام فقیهان در تضمین حقوق شهروندی، از موثرترین امر در جامعه اسلامی و فقهی است. اینکه فقه‌های شورای نگهبان بر قوانین نظارت دارند یعنی وقتی قانون و مقرراتی در همه‌ی حوزه‌ها به تأیید فقهاء مذکور رسید، مسلماً در نگاه کل، مخالف فقه نخواهد بود و همه به نوعی زیر بال و پر فقه قابل توجیه است. از آنجایی که آموزه‌های دینی باید اساسی‌ترین مقررات حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی ایران اسلامی باشد و در غیر این صورت همخوانی با روحیات اجتماعی و اعتقادی ملت ایران نخواهد داشت، لذا مقررات حقوقی موجود، نباید برخلاف و در تعارض با احکام فقهی باشد. البته دانش فقه، گستره‌ی وسیعی از مباحث را در اختیار مکلفان و قانون‌گذاران قرار می‌دهد و با استفاده از آن‌ها می‌توان قوانین حقوقی جدیدی را ایجاد کرد. با آن که به صورت جزئی و دقیق از آن‌ها در فقه اثری نیست اما متعارض با احکام فقهی نیز به شمار نمی‌آیند. همچنان که دیدیم، بسیاری از آیات و روایات، حکایت از توجه عمیق، به حقوق شهروندی دارند. در این میان پر واضح است که اسلام، بسیاری از قوانین خود را، بر اساس حقوق شهروندی، بنا نهاده است و از آنجا که جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فقه شیعی، یا حقوق اسلامی، تدوین و قانونگذاری شده است. باید دانست که کمال فقه در طرح کمال دین، قابل اعتنا است. دین اسلام واجد شریعت و فقه غنی و جامعی است که می‌تواند علاوه بر تنظیم رابطه فرد انسانی با خود و خدایش، مناسبات اجتماعی او را نیز، به میزان حد اکثر، سامان دهد و بهترین نوع قانون را در اختیارش قرار دهد. فقه هم به لحاظ موضوع و گستردگی احکام آن، غنی و جامع است که ابعاد مختلف حیات اجتماعی و فردی انسان را، در بر می‌گیرد و تقسیم‌بندی احکام و ابواب فقه، شاهد این مدعی است و هم در آن، مکانیسم و سازگاری به کار رفته است که به آن قدرت می‌دهد خودش را بسط دهد و نظم دینی را در زوایای گوناگون حیات اجتماعی و فردی انسان، برقرار کند و آن‌ها را به صورت خود در آورد و به رتق و فتق امور بپردازد و نظام شرعی را در قالب وضع قوانین و حق مدیریت و برنامه‌ریزی، گسترش دهد. فقه بر سر سفره گسترده خویش – برای عقل و عرف دخالت حضور داده است و برای این دو، جایگاه تشخیص و صدور حکم، قایل است و نسبت زیبایی را بین دین، عقل و عرف، با خود فقهی‌اش، برقرار کرده است. ما در مناسبات اجتماعی خود، از عقل، نه به عنوان ابزاری در خدمت شریعت و وسیله‌ای برای کشف حقایق دینی و پاره‌ای از فرامین الهی، بلکه به عنوان منبع شناخت یک سلسله حقایق و ارزش‌هایی مستقل از دین و هم به عنوان یکی از ادله اربعه در تعریف فقه، بی‌نیاز نیستیم و تعقل را تابع و خادم شریعت و فقه می‌دانیم.

منابع

۱. بنی هاشمی خمینی، محمدحسن، اصولی، احسان، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، استفتائات، ۱۳۸۴ چاپ یازدهم، الجماعه المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر السلامی
۲. دشتی برازجانی، عبدالمجید، پرسش ها و پاسخ های خانوادگی مطهر، ۱۳۹۳ چاپ اول، کریمه اهل بیت (ع)، تهران
۳. خامنه ای سید علی، الحکومه فی السلام، ترجمه ی رعد هادی، بیروت، دارالروضة ۱۴۱۵، قمی
۴. خمینی (ره)، روح اله، تحریر الوسیله، ج ۱، چاپ ۱، ۱۳۸۰، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران
۵. شهید اول. شیخ ابی عبدالله شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی العاملی. لمعه دمشقیه. ج ۲ ترجمه علی شیروانی. چاپ ۳۸. ۱۳۸۸ قم. انتشارات دارالفکر. ص ۱۶۹.
۶. صحیفه نور، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران
۷. صداقت، قاسمعلی، راهکارهای تضمین حقوق شهروندی - ۱۹۳۱ چاپ ۱، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تهران
۸. فراهانی فرد، سعید، فقه منابع طبیعی ۱۳۹۴ مطالعات فقه امامیه، بهار و تابستان ۱۳۹۵ - شماره ۶ علمی-ترویجی.
۹. قربان نیا، ناصر، عدالت حقوقی، ۱۳۸۲ مقاله ۳، دوره ۹، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۳
۱۰. گیدنز، آنتونی، جامعه شناس، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، ۱۳۷۸
۱۱. محمدی. ری شهری. منتخب میزان الحکمة. تلخیص سید حمید حسینی. ترجمه حمید رضا شیخی. چاپ سیزدهم. ۱۳۹۲.
۱۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۶۲، ۱۳۶۳ تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر (عج)
۱۳. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، قم- انتشارات اسلامی - ۱۳۶۰ - ج ۳
۱۴. -----، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ ۱۶، ۱۳۷۸ انتشارات صدرا، تهران
۱۵. مرندي، سيدمحمد رضا، مجموعه مقالات سومین همایش ملی نظریه پردازی مردم سالاری دینی، مقالات علمی - پژوهشی، جلد ۲، چاپ ۱، ۱۳۹۳، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معارف، تهران

Muhammad Mehdi Izadi

Expert in jurisprudence and the foundations of
Islamic law at the University of Sajan Nur
Kharama unit

Abstract - ۱-۱

The importance and place of civil rights in the international system and the interrelationship of this concept with human rights are among the issues and concerns that are the focus of the discussion of many sociologists, social analysts, religious scholars, men's government and philosophers. Citizenship rights are among the important concepts and indicators of modern societies that have a reliable relationship with various branches of theoretical and practical science . The plan aims to address citizenship rights in Iranian Shiite jurisprudence. So in explaining the rights of citizenship in Shiite jurisprudence, Bedouin should define the basic concepts and then explain the relationship between jurisprudence and the opinions of Shiite jurists and jurists in this regard .At this stage, the text and discussion are ready to refer to the rights of citizenship in Islam (Quran and Shiite narratives)and Imamate jurisprudence, and finally, while explaining the unfaithful capacity of jurisprudence and its influence throughout the areas of law and falsification of rulings, to explain the rights of citizenship in the jurisprudence of Iran; laws that are subject to the jurisprudence of the jurisprudence and in this regard, the whole area of law, the area of subsistence and consonance of jurisprudence and law of Iran .

Keywords: citizenship rights, Shiite jurisprudence ,jurisprudence-Iranian law